

## تحلیلی بر عوامل محیطی تأثیرگذار بر هویت نهاد روحانیت (رویکرد مدیریتی و سازمانی)

محسن منطقی\*

تأیید: ۸۹/۳/۲۲

دریافت: ۸۸/۱۲/۱۲

### چکیده

شکل‌گیری هویت هر یک از نهادهای اجتماعی با تعامل درون‌نهادی و برون‌نهادی ممکن است. ذهنیت و تصویری که دست‌اندرکاران یک نهاد از اهداف و کارکردهای آن دارند، به همراه برداشت و انتظاراتی که عوامل محیطی از یک نهاد دارند، شکل‌دهنده تشخیص و هویت یک نهاد است. به عبارتی در ساختار هویت روحانیت، نهادهای مختلفی تأثیرگذارند. بخشی از هویت این نهاد به وسیله خود روحانیت تبیین می‌شود؛ هر چند دولت، نخبگان و نهادهای غیر دولتی، هر یک به سهم خود در معماری این نهاد تأثیرگذارند. شناخت عوامل دخیل در نهاد روحانیت، کمک می‌کند که این نهاد در شناخت هویت و مرزهای خود دقیق‌تر عمل کند. این مطلب از آن رو اهمیت دارد که نهادها و سازمانها با تعیین حدود مرز خود می‌توانند دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داده و یا محدود کنند. همچنین، آنها را قادر می‌سازد که در تعامل با محیط خود واکنش شایسته و به‌جا بروز دهند.

### واژگان کلیدی

روحانیت، محیط، نهاد، سازمان، هویت

\* عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

## مقدمه

علوم دینی از آنجا که توان کسب سعادت در دو جهان را برای رهروان خویش به‌ارمغان می‌آورد، از ارزش ویژه‌ای در میان علوم برخوردار است. از این‌رو، کسب تخصص در این علم، هم ارزش والایی دارد و هم کاری پرتلاش و ژرف می‌طلبد تا متخصص آن بتواند با نظر به این جهان، جهان دیگر را نشانه گیرد.

روحانیت، اصطلاحی است که امروزه به این‌گونه از متخصصین، نسبت داده می‌شود؛ یعنی کسانی که به‌عنوان عالم دینی با تعمق و تأمل به‌صورت تخصصی به تحقیق و اندیشه در ژرفای علوم دینی و اسلامی می‌پردازند. در این مقاله تلاش شده است تا به‌نحوه شکل‌گیری تلقی و برداشت از واژه روحانیت توجه شود؛ چرا که برداشت مردم از واژه روحانی یا معادلهای آن به‌مرور زمان با تأثیر از معنای عین‌گرایی، دچار تغییر و تکامل می‌گردد. ساخت این واژه و نسبت‌دادن آن به این قشر، حاصل عوامل متعددی است که خود روحانیت و عوامل محیطی، هر دو در طراحی آن و برداشت از آن سهم دارند. از این‌رو، عوامل محیطی و نقشی که این عوامل در طراحی و شکل‌گیری مفهوم روحانیت در اذهان مردم دارند، موضوع بحث در این نوشتار است.

به بیان دیگر، شناسایی هویت روحانیت متأثر از دو دسته از عناصر است. عناصر ثابت یا قطعی که قوام این هویت بر مبنای آن است و عناصر سیال یا منعطف که پیرامون عناصر ثابت شکل گرفته و در تعامل با آن است. عناصر ثابت، همان عناصر شناخته‌شده از این نهاد هستند که از آنها با‌عنوان شالوده روحانیت، یاد می‌کنند. این عناصر در تعریف پیشینی نهاد روحانیت ذکر گردیده و پذیرفته شده هستند. بنای نهاد روحانیت نیز بر اساس این عناصر است که از آن با عنوان «شاخصه‌های روحانیت» در این مقاله یاد می‌شود.

عناصر سیال این هویت که از مؤلفه‌های تعریف پسینی است، بازتعریف این نهاد از دید دیگران و ناظرین است. شکل‌گیری و تکامل این عناصر، ناشی از عوامل متعددی است که توجه بیشتر این مقاله به این بخش است.

در ابتدا واژه روحانیت را از دیدگاه تاریخی و ادبی کالبدشکافی می‌کنیم تا بستر مفهومی مناسبی برای آن فراهم گردد.

## واژه‌شناسی روحانیت

واژه «روحانی و روحانیت» اصطلاحی است که در یک قرن اخیر به عالمان دینی در ایران نسبت داده شده است؛ زیرا در گذشته، تنها واژه‌ای که مسلمانان به علمای دین نسبت می‌دادند، واژه «عالم» بود. القاب دیگر مانند شیخ، ثقة‌الاسلام و ... از قرن پنجم هجری رواج پیدا کرده است (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۱۰). برخی عقیده دارند که این واژه از فرهنگ غربی کوچانده شده و به علمای اسلامی نسبت داده شده است؛ یعنی همان‌گونه که در مسیحیت به علمای آنان روحانی می‌گفتند و کار آنان واسطه‌گری بین خدا و خلق بود، این معنا را برای علمای اسلام در بلاد شیعه نیز به کار گرفتند (شریعتی، بی‌تا، ش ۲۰: ۱۱۹).

برخی از اندیشمندان در شناسایی موضوع روحانیت، با گذر از نزاع بر سر منشأ ظهور واژه «روحانی»، به مفاد آن توجه کرده‌اند و همه همت خویش را صرف شناسایی مفهوم «نهاد روحانیت» نموده‌اند و در صدد روشن کردن آن برآمده‌اند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۲: ۳۳۸-۳۴۰). اینان معتقدند که وقتی می‌گوییم روحانیت؛ یعنی علمای صاحب علم و تقوا که توانایی الگوبودن برای جامعه را داشته باشند؛ الگو در اندیشه خالص و اصیل اسلامی و الگو در عمل اسلامی. چنین معنایی گویای آن است که اینان واسطه بین خالق و خلق نیستند؛ بلکه واسطه بین انسان و ائمه علیهم‌السلام برای بیان احکام و معارف اسلامی هستند.<sup>۱</sup>

## شاخصه‌های روحانیت

منظور از انتساب واژه «روحانی» به یک فرد، در واقع متناسب کردن او به صفات مشخصی است که به زیندگی این صفات، به این نام خوانده شده است. با مراجعه به آثار علمی که به تبیین هویت این نهاد پرداخته است، انواعی از مشخصات را می‌توان یافت که هر یک از صاحب‌نظران بر اساس دیدگاه خود، صفات متعددی را برای روحانیت ارائه کرده‌اند.<sup>۲</sup> در یکی از این تبیین‌ها، صفات بایسته یک روحانی که ساختار شخصیتی و هویت او را بیان می‌کند، عبارتند از:

- ۱- شناخت کامل از اسلام ناب؛
- ۲- صلاحیت اخلاقی و عملی؛
- ۳- آشنایی با وضع زمان و نیازهای جامعه (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۶۷).

این صفات، شایسته یک روحانی تمام‌عیار است و بدان معنا است که کسانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت هستند، باید واجد هر سه شرط فوق باشند. شرط لازم روحانی‌بودن، داشتن این سه شرط است و فقدان هر یک از اینها موجب سلب عنوان روحانی از فرد است. البته درجه انتساب روحانیت به این صفات، به‌طور طبیعی متفاوت است. برخی در سطوح عادی این نهاد قرار دارند و با شناخت اجمالی از دین و تقید به عمل کردن بر اساس آموخته‌های خود، در صدد هدایت جامعه برمی‌آیند و با نگاه به بزرگان دین، نقش راهنمایی مردم در امور اولیه را بر عهده دارند.

برخی دیگر از آنان، به‌عنوان فقیهانی هستند که در رأس روحانیت قرار دارند و نقش فرماندهی و مدیریت نهاد روحانیت را دارا هستند. چنین افرادی از نظر ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند. اینان باید از هر گناهی پرهیز داشته باشند. عدالت این افراد باید مافوق عدالت افراد عادی باشد؛ همچنان که از فرمایش امام صادق علیه‌السلام چنین برداشت می‌شود: «اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه» (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۲۶۳). از نگاه برخی اندیشمندان از این روایت، مافوق عدالت فهمیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

گاهی در تحقیقات علمی برای روشن شدن یک مفهوم، ابتدا عناصر و اجزای شکل‌دهنده آن را شناسایی می‌کنند و سپس رابطه آن اجزا را با هم، مورد بررسی قرار می‌دهند. هدف از این کار، مشخص کردن مسیر حرکت علمی و شناسایی همه ابعاد مؤثر در تحقیق است. اما باید توجه داشت که این شیوه به این معنا نیست که مردم و غیر محققین نیز برای شناسایی موضوع، باید همین شیوه را در پیش بگیرند. به عبارت دیگر، تلاش علمی محققین مانع از به‌کارگیری شیوه عوام مردم نیست؛ زیرا به‌کارگیری... الفاظ و انتساب معانی در نزد افکار عمومی، تابع مقیدات علمی و آکادمیک نیست. از این رو، ممکن است که در گفتار عامیانه به افراد غیر واجد شرایط فوق نیز، «روحانی» نسبت داده شود. بنابراین، با دو دسته مفهوم مواجه هستیم؛ مفهوم وضع شده به‌وسیله صاحب‌نظران و مفهوم رایج شده به‌وسیله عوام مردم. هر دو دسته، واژه روحانی یا روحانیت را به‌کار می‌گیرند، اما مفهومی که از آن اراده می‌کنند، در عین حال که مشترکاتی دارد، ممکن است اختلافاتی نیز با هم داشته باشد.

اما آنچه را که مردم از این واژه اراده می‌کنند، شاید متفاوت باشد و ممکن است صفاتی بیان گردد که در معنای دقیق و پذیرفته‌شده علمی، مورد نظر نیست؛ مانند اینکه روحانی به کسی اطلاق می‌شود که لباس مخصوصی متشکل از عمامه، قبا و عبا بر تن می‌کند و مدعی تمایل به آخرت و کار ثواب است (www.wikipedia.org).

از این رو، برای فهم این واژه با دو گونه رویکرد مواجه هستیم؛ از یک سو، نگاه مقید، معین و هدفمند به واژه روحانی و از سوی دیگر، نگاه ظاهری، منعطف و عرفی. شناخت پدیده‌های اجتماعی، همیشه با این دوگانگی مواجه است؛ بر این مبنا، صاحب‌نظران دانش ارتباطات سازمانی، این گونه هویت‌شناسی‌ها را به دو دسته تقسیم کرده، یکی را عین‌گرایی و دیگری را ذهن‌گرایی نامیده‌اند (M. Jablin & L. Putnam, ۲۰۰۱: ۲۷۱).

عین‌گرایان، کسانی هستند که به معنای واقعی و محتوای علمی واژه می‌نگرند و از این منظر، روحانی را واجد صفات هدفمند و از پیش طراحی‌شده می‌دانند. ذهن‌گرایان نیز کسانی هستند که صرف نظر از تعاریف از پیش تعیین‌شده برای تعیین هویت پدیده، به ادراکات مردم به عنوان مبنای اصلی می‌نگرند؛ یعنی با چشم‌پوشی از اینکه روحانی دارای صفات سه‌گانه فوق باشد یا نباشد، به صرف اینکه کسی ملبس به این هیأت است، او را روحانی می‌نامند.

تأمل در تفاوت این دو دیدگاه، نزد اندیشمندان ارتباطات سازمانی، بسیار سودمند است (Ibid) و شناخت مرز سازمان با استفاده از هر یک از دو دیدگاه، عرصه جدیدی را پیش روی محقق قرار می‌دهد.

### عوامل درونی روحانیت

همان‌گونه که بیان شد، شکل‌گیری هویت روحانیت، متأثر از دو گونه تعریف پیشینی و پسینی است. اکنون به شناسایی خصوصیات تعریف پیشینی که نقش عناصر ثابت و شالوده این نهاد را دارند، پرداخته می‌شود. این عناصر، دلیل شکل‌گیری این نهاد را بیان می‌کنند؛ چنانکه نقش حفاظت و ماندگاری از نهاد را نیز بر عهده دارند.

مهم‌ترین عنصر ثابت در نهاد روحانیت، آگاهی از دین است. روحانیت، شکل‌گرفته است تا بر اساس آگاهی از دین، به وظیفه تبیین و ترویج اسلام و احکام آن بپردازد و مردم از دانش و علم آنان بهره بگیرند تا بتوانند راه سعادت را بیمایند.

روحانیت، بدون علم و آگاهی، واژه‌ای بی‌محتواست. حوزه‌های علمیه از بدو تأسیس، به آموزش، رشد و تقویت این عنصر پرداخته‌اند. فضیلت حوزه‌های علمیه، دانش خود را در معرض مردم قرار می‌دهند تا چراغ هدایت آنان باشد. امام معصوم علیه السلام فرموده‌اند: «ارشاد جاهل، افضل از نجات اسیر از دست کافر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۹).

در کنار آگاهی و علم نسبت به آموزه‌های دین، عنصر ارزنده دیگری، تهذیب نفس است. بزرگان و علما، همیشه به طلاب تأکید می‌کردند که رشد علمی در کنار رشد معنوی ارزش دارد؛ یعنی طلاب، همان‌گونه که برای افزایش سطح علمی خود تلاش می‌کنند، باید برای ارتقای سطح معنوی خود نیز همت بگمارند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرمایند: «باید از همین حالا، همین جوان ۱۶ ساله، همین جوان ۲۰ ساله که در مدارس علمی هست، باید خودش را عادت بدهد به اینکه یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد، یک قدم برای تحصیل اخلاق و تهذیب بردارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۴).

تهذیب نفس، به معنای اقدام بر اساس کسب رضای الهی و پرهیز از پیروی از هوای نفس، مشخصه نهاد روحانیت است.

بنابراین، شالوده بنیادی نهاد روحانیت، علم و تهذیب است تا بر اساس این دو پایه، وظیفه تبلیغ معارف اسلامی و احکام الهی تحقق عینی پیدا کند. با ترکیب این دو است که مردم در هر عصر و زمانی می‌توانند الگوی انسان کامل را مشاهده کنند و بر مشی او اقتدا نمایند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به روحانیت فرمودند: «علم و عمل، دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. علم به همه شئون و عمل؛ عمل نفسانی، عمل جسمانی، عمل عقلانی، انسان را به مراتب انسانیت می‌رساند» (همان، ج ۷: ۱۹۱).

علما و بزرگان نهاد روحانیت در همه عصرها، حافظان و مروجان این دو عنصر بوده‌اند. البته این بدان معنا نیست که عناصر ثابت دیگری در این نهاد وجود ندارد؛ بلکه به این معناست که این دو عنصر، زیربنای بنیادی این نهاد هستند. پافشاری آنان بر این دو عنصر، منجر به شکل‌گیری چنین نهاد پر برکت و استواری شده است که در قلب تاریخ ریشه دوانده است. توصیه‌های آنان به طلاب و روحانیون در این خصوص، شکل‌دهنده معنای واقعی و محتوایی نهاد روحانیت است که از آن، به‌عنوان عین‌گرایی یاد شد. چنانکه پایبندی طلاب جوان به این توصیه‌ها، گویای واقعیت روحانیت است.

علما با هوشیاری، مراقبند که مبدا این جنبه‌های عینی روحانیت خدشه‌دار شود و اگر فردی از این صنف، دست به رفتار ناشایست بزند، او را طرد می‌کنند و به دیگران هشدار می‌دهند. امام خمینی علیه السلام در زمینه اهمیت این عناصر اصلی می‌فرماید: «اگر تمام انبیای عظام جمع بشوند در یک شهری و در یک کشوری، هیچ گاه با هم اختلاف نمی‌کنند؛ برای اینکه آنها تزکیه شده‌اند [و] علم و حکمت را بعد از تزکیه در نفس دارند. گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم (همان، ج ۱۴: ۲۵۴).

بنابراین، در درون این نهاد، بزرگان حوزه‌های علمیه و مراجع عظام و طلاب با گفتار و کردار خود، به ساخت جنبه عین‌گرایی روحانیت می‌پردازند.

نکته اساسی در توجه به معنای عین‌گرایی و ذهن‌گرایی، نسبت به واژه روحانی یا روحانیت، این است که این دو در گذر زمان، بر یکدیگر تأثیرات متقابل داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که برداشت مردم از واژه روحانی یا معادلهای آن به‌مرور زمان و متأثر از معنای عین‌گرایی، دچار تغییر و تکامل گردیده است. بر همین اساس، سطح انتظارات مردم نیز از روحانیت متفاوت شده است. این تفاوت و دگرگونی، حاصل تعامل این دو وادی؛ یعنی عین‌گرایی و ذهن‌گرایی است.

تأثیر و تأثر در این تعامل را می‌توان در تبیین مشخصات طلبگی مشاهده کرد. هنگامی که بزرگان نهاد روحانیت، طلاب جوان را به رعایت زی طلبگی توصیه می‌کنند و از آنها می‌خواهند که مختصات این نهاد را رعایت کنند، در واقع خواهان شکل‌گیری این نهاد، بر اساس یک چارچوب مشخص و قراردادی هستند؛ مانند این فرمایش امام خمینی علیه السلام که خطاب به طلاب می‌فرمودند: «اگر برای این درس می‌خوانید که فردا به نوایی برسید، نه فقیه خواهید شد و نه امین اسلام. مردم به‌خاطر زندگی ساده روحانیت دنبال آنها آمدند تا حکومت طاغوت تغییر کند، مبدا خود گرفتار طاغوت شویم» (امام خمینی، بی‌تا: ۱۲۷).

با توجه به اینکه مفهوم روحانیت، در دو صحنه عین‌گرایی و ذهن‌گرایی کاربرد دارد، امام خمینی با توجه به برداشت ناصحیح مردم از واژه روحانیت، در صدد است که نیت و رفتار طلاب را از برداشت نادرست عمومی دور نموده، معنای واقعی را بر کرسی باور ایشان بنشانند.

از این رو، می‌توان گفت که این‌گونه مفاهیم، متأثر از نقش اعضا (طلاب و روحانیت)

و واکنش اجتماعی شکل می‌گیرد؛ یعنی روحانیت، متناسب با واکنش مردم، در پی اصلاح منش خود برمی‌آیند. این تعامل، موجب ساخت هویت روحانیت در هر عصری می‌گردد. در هر دوره زمانی، متناسب با کنش و واکنشی که بین روحانیت و مردم صورت می‌گیرد، در رفتار و منش روحانیت تغییراتی رخ می‌دهد و به همین ترتیب انتظارات جدیدی نیز از سوی جامعه شکل می‌گیرد. روحانیت نیز برای پاسخ‌گویی به این نیاز جدید، در صدد اصلاح فرآیندهای آموزش، تربیت، امور معیشتی، مهارت‌های فنی و ... خود برمی‌آید.

### محیط روحانیت

شناخت تعامل اعضای روحانیت با مردم و نحوه این کنش و واکنش، نیازمند تأمل در مفهوم محیط است. جامعه‌شناسان چنین تعاملی را کنش اجتماعی می‌نامند. برای شناسایی بهتر موضوع بحث، این نکته یادآوری می‌شود که می‌توان هویت روحانیت را در عنوان «نهاد روحانیت» نیز مد نظر داشت. منظور از نهاد روحانیت، بدنه سازمان‌یافته روحانیت است که عهده‌دار هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری روحانیت است. این نهاد، مخاطب اصلی انتظارات جامعه است که در رأس آن مراجع و حوزه‌های علمیه قرار دارند.

تمام عواملی که در خارج مرز سازمان وجود دارند و بر تمام یا بخشی از سازمان اثرات بالقوه می‌گذارند (ال . دفت، ۱۳۷۴: ۸۷). عوامل محیطی می‌توانند برای نهاد روحانیت ورودی‌ها را تأمین کنند؛ چنانکه می‌توانند استفاده‌کننده از خدمات این نهاد باشند. تعامل این دو، تأثیراتی شگرف در بازسازی توانمندی‌های هر دو دارد.

به بیان دیگر، محیط، به‌عنوان بخش ذهن‌گرایی روحانیت و نهاد روحانیت، بخش عین‌گرایی واژه روحانی یا روحانیت را برعهده دارند. از این رو، نهاد روحانیت، همچون موجود زنده‌ای است که در واکنش نسبت به ویژگی‌ها و الزامات اعضای خود و اثرات محیط خارجی شکل یافته و سازگار می‌گردد (Scott, ۲۰۰۳: ۶۹). از این رو است که هویت و تشخیص این نهاد، امری است که در طی زمان اتفاق می‌افتد (اسکات، ۱۳۸۷: ۴۰)؛ یعنی نهاد روحانیت به‌طور دائم در حال رصد وقایع محیطی است و به‌تناسب آن کارکردهای خود را سازگار می‌سازد. این نشانه زنده‌بودن این نهاد است؛ همان‌گونه که نشان‌دهنده دگرگونی و تکامل مداوم در این نهاد نیز هست.



اعضای این نهاد، بخش آشکار و شناخته شده و عینی این نهاد هستند. اینان در واقع با طراحی اهداف، شرح وظایف، نمودهای رفتاری و ...، سهم خود را در طراحی این نهاد ایفا می کنند. اما مطلب قابل توجه، این است که بخش نامشهود و ذهنی‌ای که در این طراحی نقش دارد نیز باید مورد شناخت قرار گیرد. این بخش با نام محیط معرفی گردید. اما «محیطی» که در طراحی هویت این نهاد نقش دارد، چیست؟ به بیان دیگر، در خارج نهاد روحانیت، چه عواملی در تبیین هویت روحانیت تأثیرگذارند؟ شناخت عامل یا عوامل بیرونی به محقق کمک می کند که نحوه ساخت مفهوم را از جایگاه آنان نیز بشناسد و بر همین اساس بتواند تعامل مناسبی با آن شکل دهد.

### عوامل محیطی روحانیت

اندیشمندان سازمانی، سه عامل را که در محیط فعال بوده، نهادها و سازمانهای جامعه را هویت می بخشند، شناسایی کرده اند که هر یک به نوبه خود می توانند در واکنش اجتماعی بر طراحی هویت و تشخیص نهادها و سازمانها تأثیرگذار باشند (همان: ۱۶۳). این عوامل عبارتند از:

۱- دولت؛

۲- حرفه‌ای‌ها و نخبگان؛

۳- نهادها و تشکلهای غیر دولتی.

این سه عامل در رابطه با نهادها و بهره‌مندی از خدمات آنها و ارائه خدمت به آنها می توانند هم خود دچار دگرگونی شوند و هم تشخیص و هویت جدیدی را برای نهادها تعریف نمایند. اکنون به شناسایی این عوامل و تأثیر آنها در ساخت مفهوم نهادها می پردازیم؛ چرا که در تطبیق بر موضوع بحث، یعنی روحانیت، هر یک از این عوامل می توانند به نوبه خود در ایجاد برداشت از واژه روحانیت تأثیر داشته باشند.

### الف- دولت

از آغاز دوران مدرن، قدرت و حقوق قانونی ویژه‌ای به دولت اعطا شده است. دولت نیز به گونه‌ای ساخته شده است که بتواند از این قدرت و حقوق قانونی استفاده کند. در واقع، دولت یک کنش‌گر معمولی نیست؛ بلکه کنش‌گری است که می تواند

اعمال سلطه مشروع نماید. این مداخله برای همه جوامع، پذیرفته شده تلقی می‌گردد (همان: ۱۶۸). البته محدودیت در اعمال سلطه دولت، از موضوعات مورد توجه اندیشمندان در سالهای اخیر بوده است.<sup>۳</sup>

دولت به سه روش متمایز، تأثیرات خود را اعمال می‌کند:

### ۱- اعمال قدرت

دولت به‌عنوان یک کنش‌گر اساسی، با توجه به قدرت و ظرفیت خود، می‌تواند بر گستره اقدامات نهادها تأثیر بگذارد. دولت می‌تواند اقدامات متنوعی را نسبت به نهادها و سازمانهای اجتماعی اعمال نماید؛ مانند اعطای امتیازهای خاص، تخصیص منابع مالی و اعتباری، معافیت از مالیات، محدودیت در فعالیت و یا صدور مجوز فعالیت و ... . بنابراین، دولت با استفاده از سازوکارهای تنظیمی کنترل، بر سازمانها و نهادها اعمال قدرت می‌کند.

در زمان رضاخان پهلوی، مبارزه جدی با تشکل و نهاد روحانیت و حوزه‌های علمیه صورت گرفت. ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت به‌عنوان شرط حضور در مجلس شورا از اقداماتی بود که به‌منظور کنارزدن روحانیت از عالم سیاست صورت می‌گرفت (پهلوان، ۱۳۸۳: ۵۸۲). در آن دوران، روحانیت آنچنان تحت فشار دولت بود که در شرف اضمحلال قرار گرفت، اما ضعف دولت طاغوتی و معدوم‌شدن رضاخان، موجب تجدید حیات روحانیت گردید. پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ که منجر به تضعیف دولت طاغوتی شد، روحانیت به فکر بازسازی حوزه‌ها افتاد؛ زیرا مدارس علمیه به‌وسیله دولت، یا ویران شده بود و یا به مراکز اداری، سربازخانه، بیمارستان و مدارس دولتی تبدیل شده بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۴۵).

انقلاب اسلامی که با طراحی روحانیت و مرجعیت صورت گرفت، موجب پابرجایی و ثبات نهاد روحانیت گردید. نهاد روحانیت در این دوران، نه‌تنها از سوی دولت پذیرفته شد، بلکه این دولت بود که به اتکای روحانیت، (به دلیل نظریه ولایت فقیه) حیات سیاسی خود را آغاز نمود. با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌گردد که تا چه اندازه، مخالفت و یا همراهی دولت در ضعف و یا قوت نهاد روحانیت تأثیر دارد.

## ۲- شکل‌دهی ساختاری

دولت‌ها می‌توانند بر نحوه شکل‌گیری و ارزش نهادها و سازمانها تأثیر بگذارند. این تأثیرگذاری می‌تواند به این شیوه باشد که دولت، اجازه شکل‌گیری برخی از نهادها و سازمانها را بدهد یا ترکیب خاصی از آنها بتوانند شکل بگیرند. دولت‌ها می‌توانند عرصه را برای وظایف یک سازمان تبیین کنند؛ چنانکه دولت می‌تواند در سر و سامان‌دادن سازمانها و نهادها، آنها را در معرض تضاد منافع قرار بدهد.

نمونه این شکل‌دهی ساختاری را می‌توان در حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مشاهده کرد. بعد از انقلاب اسلامی، علی‌رغم عدم تمایل رهبران این نهضت در به‌عهده‌گرفتن مناصب دولتی، شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که بخشی از روحانیت به‌عنوان بدنه حکومت پذیرفته شدند. امام راحل علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد، افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند. لذا بارها گفتم: روحانیون می‌روند کارهای خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر؛ اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است. آدم صریحاً اعلام کردم: من اشتباه کرده‌ام» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۴۱).

بر اساس این سخن بود که برخی از روحانیت به بدنه اداری کشور وارد شدند؛ چنانکه بر همین اساس، برخی از نهادهای روحانیت در ساختارهای دولتی، شکل گرفتند؛ مانند نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران یا وزارت جهاد کشاورزی؛ همچنان که بخشی از روحانیت نیز به‌طور غیر سازمان‌یافته در مناصب سازمانی قرار گرفتند.

بنابراین، هنگامی که بخشی از روحانیت، درون ساختار دولت قرار گرفت، تأثیرگذاری دولت بر نهاد روحانیت، شکل گرفت. به‌طور طبیعی چنین رویکردی در هویت‌سازی نهاد روحانیت در ذهن مردم تأثیر بیشتری گذاشت؛ زیرا مردم تا پیش از این، از روحانیت، تنها انتظار ارشاد و راهنمایی را داشتند، اما با قرارگرفتن روحانیت در ساختار دولت، ذهنیت و تصور مردم از روحانیت فراتر از نظریه‌پردازی و راهنمایی صرف شده است؛ چرا که مردم نقش و هویت تصدی‌گری را در روحانیت مشاهده می‌کنند. بر این اساس، سطح انتظارات آنان از نهاد روحانیت، تغییر پیدا کرده است.

امروزه امکان بهره‌مندی روحانیت از رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صدا و سیما در

شرایطی است که در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین نبود؛ زیرا در آن زمان روحانیت از حضور در این نهادها خودداری می‌نمود یا اساساً امکان آن را نداشت. اگر در گذشته، روحانیت، حضور در این رسانه‌ها را برای خود کسر شأن می‌دید، اما در حال حاضر، وجود شبکه‌های قرآنی و معارفی، بستری را برای حضور روحانیت به‌منظور انجام رسالت خود فراهم نموده است.

فراتر از بسترهای بیان‌شده، امروزه ظرفیت‌های متنوعی در سطح بین‌المللی ایجاد شده است. تحول فکری ایجادشده به‌وسیله انقلاب اسلامی، خیزش فکری نوینی را در جهان ایجاد کرده است. امروزه برای پاسخ‌گویی به نیاز معنوی و عقیدتی ایجادشده، چشم همه حق‌جویان به حوزه علمیه قم دوخته شده است؛ چنانکه نهادهای فرهنگی رسمی دولت، برای تأمین بخشی از این نیاز و پاسخ‌گویی به مخاطبین، ظرفیت‌هایی را برای نهاد روحانیت ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که بتوانند از کانالهای رسمی و غیر رسمی در مجامع علمی و مذهبی حضور فکری داشته باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۴۹).

### ۳- ابزار قانون

دولت‌ها ظرفیت تعریف و تحمیل قوانین را دارند. [بر اساس] این مورد که احتمالاً مهم‌ترین کار دولت‌هاست، [دولت] در صدد اعمال نظر بر اساس قواعد و مقررات است؛ به‌گونه‌ای که عملکرد سازمانها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۶۶)؛ مانند وظایف محوله به سازمانها، ظرفیت‌های ایجادشده قانونی برای برخی از نهادها و سازمانها، وضع و اعمال قوانین مربوط به بیمه، شرایط مربوط به مقررات خدمت نظام وظیفه، مدارک تحصیلی و ... .

همان‌گونه که بیان شد، بخشی از تأثیرات دولت در نهاد روحانیت، مربوط به ظرفیت‌های ایجادشده برای کارکردهای نهاد روحانیت است. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده ولی فقیه که فرد برجسته‌ای از نهاد روحانیت است، گذاشته شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول یکصد و هفتم و یکصد و نهم)؛ ظرفیت ایجادشده دیگر در قانون اساسی، نهاد شورای نگهبان است که در آن، شش نفر از فقهای عادل و آگاه، نسبت به عدم مغایرت قوانین مصوب قوه مقننه، با شرع مقدس به اظهار نظر می‌پردازند (همان، اصل

نودویکم). همچنین بر اساس قانون، در رأس قوه قضاییه و برخی از مناصب قضایی، مجتهدی عادل و آگاه، از نهاد روحانیت قرار دارد (همان، اصول یکصد و پنجاه و هفتم و یکصد و شصت و دوم).

همان‌طور که بیان شد، سه دسته از عوامل محیطی در تعیین تشخص و هویت نهادها نقش دارند که تا کنون به یکی از عوامل؛ یعنی «دولت» پرداختیم. اکنون دومین عامل را مورد توجه قرار می‌دهیم.

### ب- حرفه‌ای‌ها

حرفه‌ای‌ها، نخبگان و متخصصان در هر جامعه از طریق تأثیرگذاری بر باورهای مردم حکومت می‌کنند. حرفه‌ای‌ها و متخصصین از طریق تعریف واقعیت (تبیین هستی‌شناختی) و ارائه اصول یا رهنمودهایی برای کنش، اعمال کنترل می‌کنند. نخبگان و حرفه‌ای‌ها چارچوبهای شناختی را می‌سازند. هر گروه از متخصصین به تناسب عرصه‌هایی که در آنها ادعای دانش دارند، به تبیین مفاهیم پرداخته و بر جامعه مخاطب، اعمال کنترل می‌نمایند (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

بخشی از تأثیرگذاری بر باورهای مردم به وسیله اندیشمندان جامعه در حوزه‌های متنوع اجتماعی صورت می‌گیرد. اینان با ارائه تحلیل‌ها و تئوری‌های سازگار با دیدگاه خود، جامعه را به سمت مورد نظر خود سوق می‌دهند. ارائه سخنرانی، برنامه‌های آموزشی، انتشار کتب و نشریات و بهره‌گیری از رسانه‌های تصویری و مجازی، ابزار تأثیرگذاری اینان است. گویندگان و نویسندگان فراوانی با داشتن جایگاه اجتماعی یا علمی، به تبیین هویت و نقش روحانیت پرداخته‌اند. اینان می‌توانند در برهه‌ای با فضا سازی، به تحکیم جایگاه روحانیت یا به تضعیف آن جایگاه پردازند.

اگر چه داشتن دانش، به تنهایی، تسلط را تضمین نمی‌کند، اما برای تحقق آن، حرفه‌ای‌ها و متخصصین، دست به ساختارهای حکمرانی می‌زنند؛ مانند اقدام به ایجاد گروه‌های فکری - پژوهشی، لجنه‌های تخصصی و رسانه‌ها و یا تعیین استانداردهای رفتاری و عملکردی که به وسیله آنها می‌توانند تفکر خود را در نهاد و سازمان مخاطب، تفکر غالب قرار دهند. این کانالها معبری برای اعمال قدرت در رفتار جامعه هستند. از این رو، همیشه رابطه‌ای بین حرفه‌ای‌ها و سیاسیون بوده است. این رابطه، بسیار متنوع

و پیچیده، دنبال می‌شده است (همان: ۱۶۷).

در این راستا، برخی از نخبگان در صدد ارزش‌نهادن و تعالی نهاد روحانیت برآمده‌اند و برخی نیز با هدف تضعیف و به‌سخریه‌گرفتن این نهاد، سخن گفته‌اند.<sup>۴</sup> پروفیسور «حامد الگار» از دانشمندان غیر شیعه است که به نقش مثبت روحانیت شیعه در قرن گذشته، این‌گونه اشاره می‌کند: «در دوره قاجار، مجتهدان آمدند تا رهبری امت را تجسم بخشند و این امر، یکی از منابع مهم نفوذ سیاسی و اجتماعی ایشان در این دوره بود. اجتهاد در حوزه شرع اسلامی و پیوند آن با کارهای اجتماعی - سیاسی در فرصت‌های بسیار؛ هم در زمان قاجار و هم در زمانهای پس از آن توانسته است به‌عنوان نیرویی برای پیشرفت محلی قلمداد شود» (الگار، ۱۳۵۹: ۲۱).

اندیشمندان با تأثیرگذاری بر افکار عمومی، در صددند تا به مثابه یک عامل محیطی، هویت و شخصیت روحانیت را برای مردم طراحی نمایند. نویسندگان و کارگردانان رسانه‌ها نیز با تصویرسازی‌های مورد نظر خود در طراحی هویت نهاد روحانیت نقش ایفا می‌کنند. امروزه دست‌اندرکاران سینما، با فعالیت گسترده و متنوع خود، توانسته‌اند نقش بی‌بدیلی را در جهت‌دهی و یا دگرگونی افکار عمومی داشته باشند.<sup>۵</sup> رسانه‌ها با به‌کارگیری شگردهای تبلیغاتی در فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، مستندسازی‌ها، عکس‌ها و ... به ایفای نقش خود در تأثیرگذاری بر ذهنیت مردم نسبت به نهاد روحانیت می‌پردازند که نمی‌توان از نقش مثبت یا منفی این پدیده غافل ماند.

### ج- نهادها و تشکلهای غیر دولتی

سازمانهای غیر دولتی بر خلاف دولت نمی‌توانند قانون وضع کرده یا قانونی را تحمیل کنند؛ بلکه بدنه‌های مقتدری هستند که از منابع محدود برای تأثیرگذاری بر وضع قواعد، تعیین استانداردها، ترویج اصول انسانیت در برابر دولت‌ها و سایر عوامل استفاده می‌کنند (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۶۸). یکی از راه‌های شناخت این نهادها، مطالعه کارکردهای آنهاست. این نهادها با به‌عهده‌گرفتن وظایف بر زمین‌مانده در جامعه، برای پیشرفت جامعه سعی می‌کنند. همین موضوع، موجب قدرت‌گرفتن این نهادها در جامعه می‌شود.

از آنجا که به‌استناد منابع دینی، بخش عمده کارکرد روحانیت، امر آموزش و هدایت است،<sup>۶</sup> نهادهایی که در خصوص این موضوع فعالیت می‌کنند، می‌توانند با همراهی کردن

یا مخالفت کردن با اهداف بیان شده یا شیوه‌های به کار گرفته شده توسط نهاد روحانیت، به تقویت یا تضعیف هویت این نهاد پردازند.

اگر به کارکرد روحانیت در تعالی بخشی معنوی افراد در جامعه توجه کنیم، اقدامات گروه‌ها یا نحله‌های فکری که به ارائه معنویت‌های کاذب مشغولند در راستای تضعیف نهاد روحانیت قابل فهم‌تر خواهد بود؛ زیرا آنان در صددند تا ظرفیت پدیدآمده در جامعه را، در اختیار بگیرند؛ بدین منظور، با ارائه تبیین‌های نادرست از روحانیت، برای مخدوش کردن چهره نهاد روحانیت تلاش می‌کنند.<sup>۷</sup> همچنان که نهادها و تشکل‌هایی نیز هستند که به تأیید اقدامات نهاد روحانیت در جهت ارتقای معنوی جامعه می‌پردازند؛ مانند موقوفات فراوانی که برای اداره امور روحانیون در سراسر کشور و با هدف ارتقای کارایی آنان و تأمین‌کننده مسائل مادی است یا حضور روحانیون در مساجد به عنوان امام جماعت که نمایانگر اعتماد مردم به این قشر است؛ به گونه‌ای که آنها را مصداقی بارز از افراد متصف به عدالت می‌دانند، یا حضور روحانیون در هیأت‌های مذهبی، کاروانهای زیارتی و ... اینها همه نمونه‌هایی از نهادهای غیر دولتی و تأثیرگذار بر روند هویت روحانیت است.

هر یک از این سه عامل کنش‌گر اجتماعی؛ یعنی دولت، نخبگان و نهادهای غیر دولتی، در عین حال که مستقل و خودمختار هستند، اما از طریق شبکه‌های پیچیده به هم وابسته بوده و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. روابط این عوامل و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها، چارچوب‌های فرهنگی و معنایی را برای روحانیت طراحی می‌کند. این چارچوب‌های طراحی شده یا به عبارت دیگر، مفهوم مشترک جمعی، منجر به ایجاد جو هنجاری جامعه می‌شوند (M. Jablin & L. Putnam, ۲۰۰۱: ۲۷۴).

### برآیند تعامل محیط با نهاد روحانیت

در تعامل محیط با نهاد روحانیت، جو هنجاری شکل می‌گیرد؛ یعنی یک تفسیر برداشت شده به وجود می‌آید. از این رو است که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که سازمان و نهاد، یک تفسیر برداشت شده از گفت‌وگو و واکنش عوامل محیطی است که بیان‌کننده واقعیت اجتماعی زندگی است.<sup>۸</sup>

تعامل این عوامل محیطی و مواجهه با اعضای نهاد روحانیت (علماء و طلاب)،

تکامل تدریجی این مفهوم را در پی دارد. این تکامل، متأثر از تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی یا عوامل محیطی است که سازمانها در صدد برمی‌آیند واکنش مناسبی به این تغییرات و دگرگونی‌ها بدهند. در نهایت در درازمدت، این تعامل بر هویت نهاد روحانیت تأثیر می‌گذارد.

در این راستا، در درون نهاد روحانیت و بیرون آن، گفت‌وگو پیرامون سازمان، اهداف، کارکردها و وظایف آن همیشه در حال انجام است. این گفت‌وگو گاهی تکمیل‌کننده هویت نهاد روحانیت و گاهی در تعارض با آن است. این تعارض و مغایرت، گاهی ممکن است به‌گونه‌ای باشد که مسیر حرکت نهاد روحانیت را دگرگون نماید؛ مانند حادثه‌ای که در زمان مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته‌الله؛ مؤسس حوزه علمیه قم رخ داد. معظم له، با توجه به شرایط محیط و با گفت‌وگو با علما به این ایده رسید که جمعی از طلاب را به زبان خارجی و بعضی از علوم مقدماتی مجهز کند تا بتوانند اسلام را در محیط‌های تحصیل‌کرده جدید و در کشورهای دیگر تبلیغ نمایند. وقتی که این خبر منتشر شد، گروهی از عوام و شبه عوام تهران به شهر قم رفتند و به علمای حوزه هشدار دادند که «پولی را که مردم به‌عنوان سهم امام می‌پردازند، برای این نیست که طلاب، زبان کفار را یاد بگیرند. اگر این وضع ادامه پیدا کند، ما چنین و چنان خواهیم کرد!» مرحوم حائری با مشاهده این برخورد از ادامه این کار که موجب انحلال حوزه علمیه می‌گشت منصرف شدند (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۰۳).

البته قابل توجه است که در عین حال که این دو حوزه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ اما این دو، رابطه وثیقی نیز با یکدیگر دارند. یک فرد روحانی ممکن است در عین حال که در محیط کار، خانواده و ... مفهوم‌سازی می‌کند و مفهوم دریافت می‌کند، در عین حال در نهاد روحانیت نیز همین نقش را ایفا نماید. بنابراین، یک روحانی، می‌تواند نقش خود را در تبیین هویت به دو گونه و از دو مسیر ایفا نماید. این بدان معناست که افراد در درون سازمان و بیرون سازمان به یک برداشت و تفسیر کلی دست می‌یابند که ناشی از یک گستره فرهنگی برآمده از وضعیت اجتماعی و شرایط فردی است (۲۷۳: ۲۰۰۱، M. Jablin & L. Putnam). نهادها و سازمانها محصول شیوه برداشت و ادراک از تعامل و روابط خود با محیط هستند و بر این اساس به مفهوم و تشخیص معینی دست می‌یابند.



نمونه این برداشت را می‌توان در گفتار حضرت امام خمینی علیه السلام به هنگام تشییع باشکوه پیکر عالم ربانی؛ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی علیه السلام مشاهده نمود که وقتی با حضور پرشور مردم در مراسم تشییع مواجه شد و جمعیت عظیمی را مشاهده نمود، فرموده بود: «اگر اسلام صاحب چنین قدرتی است، خانه‌نشینی و احتیاط و سازشکاری، ذنب لایغفر است».

این برداشت و درک، اولین جرعه انقلاب اسلامی را در ذهن امام خمینی به وجود آورد. فضای حاکم بر جامعه ایران در آن زمان؛ یعنی سالهای منتهی به ۱۳۴۰ شمسی (وفات آیه‌الله العظمی بروجردی) به گونه‌ای بود که روابط شاه و روحانیت توأم با احترام و حداکثر، گلایه‌گذاری سپری می‌شد (آشنا/ [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)). در آن زمان، مردم هنگامی که با تخلف‌های آشکاری نسبت به مقدسات دینی مواجه می‌شدند، مراتب را به مراجع منتقل می‌کردند. اگر روزی نماینده‌ای از سوی دولت، پیش مراجع می‌رفت، آن خلاف، به‌عنوان گلایه مطرح می‌شد و اگر دولت اراده می‌کرد، بعد از مدتی آن را تغییر می‌داد و مرجعیت خوشحال شده و آن را یک گام به جلو تلقی می‌نمود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶).

در این شرایط که نهاد روحانیت از چنین جایگاه ضعیفی برخوردار بود، حضرت امام خمینی علیه السلام با مشاهده خیل عظیم جمعیت در تعظیم سر سلسله روحانیت؛ یعنی مرجعیت، به درک و برداشت جدیدی از نهاد روحانیت دست یافت و به‌اتکای این برداشت، نهال انقلاب را غرس نمود.

باید به این نکته توجه داشت که جامعه در حال تغییر است و نهادها و سازمانها باید به‌طور مداوم با جامعه رابطه برقرار کنند و سازمانها می‌توانند بر جهت‌گیری‌های تغییرات اجتماعی که رخ می‌دهد، اثرگذار باشند (M. Jablin & L. Putnam, ۲۰۰۱: ۲۷۷). در واقع امام خمینی با درک شرایط و امکان تغییر در جامعه، توانست شبکه پیوسته روحانیت را که از خارج کشور تا دورترین روستاها گسترده بود و امکان تأثیرگذاری بر نیروهای سیاسی را داشتند، بسیج کرده و به این وسیله، اسلامیت و جمهوریت را برای مردم به‌ارمغان آورد (آشنا/ [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)) و به‌قول حامد الگار: «روحانیت شیعه از نظر معنوی، متکی به خدا و از نظر اجتماعی، متکی به مردم است» (الگار، ۱۳۵۹: ۲۱).

## ارزش شناخت مفهوم روحانیت

شناخت هویت روحانیت، علاوه بر اینکه می‌تواند برای مردم به‌عنوان محیط پیرامونی «نهاد روحانیت» مفید باشد، برای خود «روحانیت» نیز مفید است. به بیان دیگر، اکنون که مراحل شکل‌گیری مفهوم روحانیت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مورد توجه قرار گرفت، مناسب است که تأثیر این شناخت در روحانیت و در بین طلاب و فضلا مورد اشاره قرار گیرد.

این شناخت، ارزشهای فراوانی برای روحانیت دارد. روحانیت می‌تواند مناسب شأن خود اقداماتی را انجام دهد که تصویرسازی از او در بین مردم، مناسب شأن ذاتی و اصلی او باشد و می‌تواند دو نتیجه مهم را به‌دنبال داشته باشد (حکیمی، ۱۳۵۹: ۹۶) که عبارتند از:

### ۱- خودسازی

اینکه منش و کردار روحانیون همانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام شود. به بیان دیگر، زی طلبگی در رفتار آنان بروز یابد. امام خمینی ره می‌فرماید: «من خوف این [را] دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود، مبدا خدای ناخواسته به‌واسطه بعضی از اعمال، یک سستی در روحانیت پیدا بشود. اگر ما از زی روحانیون خارج بشویم؛ زی‌ای که مشایخ ما در طول تاریخ و ائمه هدی علیهم السلام داشته‌اند، اگر روحانیت خارج بشود، خوف این است که یک شکستی به روحانیت وارد آید. شکستی که منجر به شکست اسلام می‌شود؛ چرا که اسلام با استثنای روحانیت، محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد؛ اینهاست که اسلام را معرفی می‌کنند و به‌پیش می‌برند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۱۳).

طلاب و فضلا، متناسب با شأن خود، منش معنوی و آخرت‌گرایی را همچون انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام در پیش می‌گیرند تا بتوانند از عهده رسالتی که به آن موظف شده‌اند، به‌خوبی برآیند.

واژه خودسازی دربرگیرنده معنا و مفاهیم گسترده‌ای است که از محدوده این بحث خارج است؛ اما اهمیت آن برای همه انسانهای کمال‌جو، به‌ویژه رهبران فکری و دینی؛ یعنی روحانیت آشکار است.

## ۲- صنف‌سازی

صنف‌سازی، یعنی ایجاد تعهد برای روحانیونی که در این سلک هستند و در درون این نهاد، هویت یافته‌اند. بعد از شناخت نحوه شکل‌گیری مفهوم روحانیت در بین اقشار مردم، روحانیت به این نکته واقف می‌شود که باید از هویت ایجاد شده حفاظت کند و در جهت بهبود آن تلاش نماید. برخی از اندیشمندان از این نوع تعهد و حفاظت، با نام صنف‌سازی یاد کرده‌اند (حکیمی، ۱۳۵۹: ۹۶).

روحانیون باید از مرزهای این نهاد حفاظت کنند و آن را از تعرض نیروهای داخلی ناسازگار با این هویت، عاری سازند. اینان باید نسبت به کسانی که می‌خواهند از درون خیانت کنند یا سهل‌انگاری می‌نمایند، حساس بوده و درون این نهاد را همیشه پاکسازی نمایند و کسانی را که به نیت دستیابی به مطامع دنیوی، وارد این نهاد شده‌اند، طرد نمایند تا دامن این صنف از اعضای ناسازگار، منزه گردد.

امام خمینی علیه السلام در این خصوص به روحانیون می‌فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند: ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند؛ [اما] امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۴۵۳). توجه به رسالت عظیم روحانیت، اقتضا می‌کند که همه عوامل دست‌اندرکار ساخت ذهنیت این نهاد، به رسالت معنوی خود عنایت نموده و تلقی مناسب و در شأن این صنف را در جامعه بسازند.

## نتیجه‌گیری

روحانیت، اصطلاحی است که در جامعه ایران اسلامی به متخصصین دینی‌ای که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده‌اند، اطلاق می‌شود. اینان با کنکاش در قرآن کریم و قول و فعل معصومین علیهم السلام و تأمل در تتبع و نوآوری‌های فقهای عظام، به فهم شریعت مقدس اسلام پرداخته و آن را به شیوه‌های گوناگون در اختیار مردم و مشتاقان معارف حقه قرار می‌دهند. مجموعه فعالیت‌ها و کارکردهای این صنف در آموزش، پژوهش و تبلیغ را نهاد روحانیت نامیده‌اند.

شکل‌گیری نهاد روحانیت، متأثر از دو دسته عوامل است. بخشی در درون این نهاد

به ساخت محتوا و حقیقت این نهاد می‌پردازند؛ مانند علما، فضلا و طلاب جوان. برداشت مفهوم روحانیت از دیدگاه اینان عین‌گرایی نامیده شده است.

در برابر برداشت عین‌گرایی از مفهوم روحانیت، برداشت ذهن‌گرایی وجود دارد. این برداشت، متأثر از افرادی است که نظاره‌گر اقدامات این صنف هستند. بخش عمده این مقاله به شناسایی این عناصر اختصاص داشت. عوامل محیطی که در درون این نهاد نیستند، اما در مواجهه با آن، فعال هستند، عبارتند از دولت، حرفه‌ای‌ها، نخبگان و نهادها و تشکل‌های غیر دولتی. هر یک از این عوامل در کنش با نهاد روحانیت، می‌توانند بر کارکردهای این صنف تأثیر بگذارند. به بیان دیگر، علی‌رغم اینکه نهاد روحانیت دارای وظیفه ذاتی تبلیغ معارف و احکام اسلامی است؛ اما عوامل محیطی می‌توانند در توسعه این وظیفه یا محدودیت آن، نقش‌آفرینی کنند؛ هر چند اقدامات عوامل محیطی در حدی نیست که بتواند عناصر اصلی این نهاد را دگرگون نماید، اما می‌تواند در مسیر حرکت و در افزایش یا کاهش سرعت مؤثر باشد. شناسایی این عوامل می‌تواند تأثیرگذاران روحانیت را به این نکته توجه دهد که نباید از عوامل بیرونی و طراحان ذهن‌گرایی غفلت شود.

این تحلیل محیطی نسبت به نهاد روحانیت می‌تواند نظر روحانیان را به منش و کردار خود، یعنی خودسازی جلب نماید؛ چنانکه می‌تواند در بین آنان برای حراست از هویت خود تعهد ایجاد نماید؛ به‌گونه‌ای که این تعهد، موجب حفاظت از دستاورد گرانبهای حوزه‌های علمیه خواهد شد.

## یادداشت‌ها

۱. چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع» (العاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۷: ۶۲).
۲. به‌عنوان نمونه، استاد محمدرضا حکیمی در کتاب «هویت صنفی روحانیت»، کسب علوم و معارف قرآنی و شناخت فرهنگ اسلام همراه با زهد و تعهد را از مشخصات روحانی می‌داند.
۳. رجوع کنید به کتاب «چالش‌هایک»، بروس کالدول، ترجمه غلامرضا آزاد، هابک از پیشگامان عدم مداخله دولت در شؤونات سازمانها در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است.
۴. مانند بدگویی‌های کسروی در کتاب «شیعه‌گری» در دوران پس از مشروطه.
۵. در این زمینه می‌توان به فیلم‌هایی مانند زیر نور ماه و مارمولک که در دهه اخیر، اکران شدند

اشاره نمود.

۶. مانند این حدیث شریف از نبی گرامی اسلام ﷺ «الفقهاء اماناء الرسول»؛ یعنی فقها امانت‌دار رسالت هستند.

۷. در این زمینه به فصل ششم از کتاب «درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب» تألیف احمدحسین شریفی، از انتشارات صهبای یقین مراجعه شود.

۸. Weick, K. E. (۱۹۷۹). *The social psychology of organizing* (۲nd ed.). Reading MA: Addison-Wesley.

## منابع و مأخذ

۱. آشنا، حسام‌الدین، از اقتدارگرایی غرب‌محور تا توسعه‌گرایی اسلام‌محور، [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net).
۲. اسکات، ریچارد، نهادها و سازمانها، ترجمه‌مینا دده بیگی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۳. ال‌دفت، ریچارد، تئوری سازمان و طراحی ساختار، ترجمه‌اعرابی و پارسائیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴.
۴. العاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۵. الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران و نقش علما در دوره قاجار -، ۱۳۵۹.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه‌امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.
۷. -----، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، بی‌تا.
۸. پهلوان، کیوان، رضاشاه، تهران، نشر آرون، ۱۳۸۳.
۹. حسینی بهشتی، سیدمحمد، ولایت، رهبری و روحانیت، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، ج ۳، ۱۳۸۳.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، هویت صنفی روحانیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۵۹.
۱۱. شریفی، احمدحسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب، بی‌جا، صهبای یقین، بی‌تا.
۱۲. شریعتی، علی، مجموعه آثار، شماره ۲۰، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
۱۳. طبرسی، الاحتجاج، نجف اشرف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ق، ج ۲.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. کالدول، بروس، چالش‌هایک، ترجمه‌غلامرضا آزاد، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، مباحثی درباره‌حوزه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (ره)، ۱۳۸۶.

۱۸. مطهری، مرتضی، خاتمیت، قم، صدرا، ۱۳۷۰.

۱۹. -----، ده گفتار، قم، صدرا، ۱۳۷۷.

۲۰. [www.wikipedia.org/wiki](http://www.wikipedia.org/wiki).

۲۱. **The new handbook of Organizational Communication**, Fredric M. Jablin & Linda L. Putnam, Sage Publications, India, ۲۰۰۱.

۲۲. Scott, Richard, Organizations, ۲۰۰۳.

۲۳. Weick, K. E. (۱۹۷۹). **The social psychology of organizing** (۲nd ed.) Reading, MA: Addison-Wesley.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

عبدالمجید

سال پانزدهم / شماره اول

۲۲۲